

علیرضا مازاریان
عضو حلقه‌ی علمی افق
گروه آموزشی فقه و مبانی اجتهاد

بر کرانه‌ی دنیا

پیش درآمد

هر شخص، ساحت‌های گونه‌گون و در همان حال همخوان و هم‌پوشانی را تجربه می‌کند، و هر اندازه این «شخصیت» امتداد و گسترش یابد، دامنه و عمق ساحت‌های زیستی نیز افزون می‌شود.

واژه‌ی سترگ «اخلاق» نیز با در برگیری مفاهیم خطیر «روحیات و خلقیات»، «گرایش‌ها و خواسته‌ها»، «کردارها و حضورها» و ... می‌تواند ساحت درخوری از زندگی آدمی را تداعی کند. در این راستا «مرد اخلاق»، اعتبار و ویژگی خود را وامدار درخشش «ساحت اخلاق» است.

بر همین پایه، با گذر از صفحات تاریخ، افزون بر دیگر تصویرهای آیه‌ی الله العظمی میرزا علی فلسفی‌ره چون فقه، سیاست و...، نمایی پررنگ از شخصیت بالیده‌ی اخلاقی ایشان روح و روان را می‌نوازد.

اگر به برکت انتزاع - دست کم در قلمرو ذهن - بتوانیم هشتاد بهار زیستن ایشان را به چند حوزه تفکیک کنیم، بی‌گمان، «سال‌های اخلاق» گوی را از دیگر رقیبان می‌ریابد.

در این مقال، بر آنیم - که بیش و پیش از بازخوانی صرف رخدادهای اخلاقی - به واکاوی زمینه‌ها، شرایط و علل این برجستگی‌های اخلاقی بپردازیم. الگو برداری و درس آموزی نیز، بیش از مطالعات دسته‌نخست، مقتضی این دومین است.

در متون پر ارج اسلامی به ویژه شیعی، پیرامون تشکیل شخصیت، از ممیزاتی چون: عوالم پیشین، فطرت، پدر و مادر، ارتزاق، محیط، دوستان، استادان، حکومت - و مواردی از این قبیل - سخن به میان می‌آید.^۱ یافته‌های بشری نیز غالباً این سلسله عوامل را تأیید و تکمیل کرده و بعضاً در ادامه آن است.^۲ از این رو شایسته است به تفکیک، گذری بر انعکاس این زمینه‌ها در سیر اخلاقی آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی داشته باشیم.

۱- زمینه‌های پرورش اخلاقی

۱/۱- خاندان

ارزش پیشینه‌های «فقاہتی - روحانی» پدربزرگ، پدر و برادران (حضرات آقایان: شیخ محمد واعظ تنکابنی، شیخ محمدرضا، شیخ ابوالقاسم و شیخ محمدتقی فلسفی) و بی‌ریایی و خلوص معنویت مادر، بی‌نیاز از زیاده‌گویی است. به ویژه سالیانی متمادی شاگردی پدر و همگامی با برادر در خور تأمل است. همخوانی زیبا و البته نسبی اخلاقیات نظری و عملی دو برادر (محمدتقی و علی) از نقش موثر بافت فرهنگی خانواده حکایت می‌کند. اگر میان رویکردهای کلی دو برادر در سخنان و نگاههای اخلاقی مقایسه‌ای صورت پذیرد، این بافت، ملموس‌تر خواهد شد. به عنوان نمونه، «فلسفی خطیب» در سخنرانیهای خود از چینش و پردازش‌های ممتاز روایی «فلسفی فقیه» (مشخصاً در بحث تربیت کودک) بهره می‌برده است.^۳

۱/۲- محیط

فضای حوزه‌ی علمیه‌ی تهران - یعنی دهه‌ی بیست و سی شمسی - هم بحث‌ها و دوستان حوزوی در تهران، نجف و مشهد همچون آقایان: ابوالقاسم گرجی، میرزا جوادتهرانی، میرزا حسنعلی مروارید و ...، مدرسه‌ی سید در نجف، آموزشهای اساتید مکتب نجف همچون آیات عظام: محمدعلی کاظمینی، سید ابوالحسن اصفهانی (احتمالاً)، سید ابوالقاسم خوبی، سید عبدالهادی شیرازی، آثار معنوی عتبات، فضای ویژه‌ی درس اخلاق پس از مرحوم برهان، مواعظ برادر خطیب، مواجهه با عالمان تفکیکی خراسان و غلبه در مواجهه‌ی روایی - فقهی با اخلاق اسلامی نسبت به برخوردارهای عرفانی - فلسفی، بخش سترگی از روابط محیطی ایشان را تشکیل داده‌است.

۱. بنگرید به: به روایاتی که در باب «عالم ذر»، «عالم اطله»، «آیات عهد» قرآن، «فطرت»، «رزق حلال»، «صدیق خیر»، «ملک» و... در دو دائره‌ی المعارف روایی میزان الحکمة و سفینة البحار.

۲. دانشها و گرایشهای روانشناسی، جامعه شناسی، ژنتیک، فیزیولوژی و... از این قبیلند.

۳. نگارنده به نقل از یکی از شاگردان مرحوم فلسفی

۱/۳ - حکومت

شکل‌گیری شخصیت اخلاقی ایشان هم‌زمان با حکومت طاغوت، غربت فقه در محافل «علمی - دانشگاهی»، فقر فقهی قوانین در زمانه‌ی پهلوی^۱، ترویج مبتذل صوفی‌گری و تجلیل خرافات به نام میراث عرفانی از سوی دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم^۲ (مانند آموزش و پرورش، آموزش عالی، رادیو و تلویزیون، محافل مطبوعاتی و ...) بوده است. این همه را می‌توان دسته‌ای از عوامل سلبی در روی‌گردانی ایشان از رویکردهای عرفانی رایج و گرایش به اخلاق فقهی دانست.

از سویی دیگر تمایل روحی به عدم دخالت مستقیم در سیاست (مگر در برهه‌هایی ضروری) را شاید بتوانیم با توجه به ناهماهنگی از دحام سیاسی تهران (در زمان طاغوت) با سیر آرام و معقول ایشان تحلیل کنیم. البته در کنار عوامل سلبی یادشده، عوامل ایجابی خانوادگی نیز مؤثر بوده است. شاید چنین عوامل نامساعدی سبب گردید مرحوم خوانساری با روحی آزرده از سالها فضای پر تنش سیاسی در تهران، به سختی تن به محیط بسپارد،^۳ و مرحوم فلسفی نیز به آغوش مهر حضرت رضا علیه السلام کوچید.

۲- کلیات گرایش اخلاقی

۲/۱ - گرایش‌های نظری، تأملات و مکتب اخلاقی

اگر چه نوشته‌های اخلاقی ایشان هنوز دیده نشده، اما بر اساس قرینه‌های جلسات اخلاقی هفتگی، ماه مبارک، آغاز و پایان سال تحصیلی حوزه، پرسش و پاسخ‌های شخصی و علت‌یابی رفتارها، می‌توان به گمانه‌زنی پرداخت، و به روشنی دریافت که مشی وی براخلاق فقه مدار، برخاسته از متون کهن و معارفی (که دست کم در جریان اجتماعی - فرهنگی خود، نزدیکی یا شباهت ویژه‌ای با مکتب مشهد دارد) مبتنی بوده است.

بر مبنای پاسخی که نگارنده، از ایشان شنیده، هر چند روایات آحاد اعتقادی و اخلاقی را حجت شرعی نمی‌دانست، اما با ملاحظه فرآوانی دلیل‌های عقلانی آمده در میان آیات و روایات، این رویکرد، توجیه و فعلیت می‌یافت. وی به زیبایی، رمز میان تنگ نظری متمسکانه در اخذ به «ظهورات» اخبار اخلاقی و الگوبرداری متمسکانه از روح و پیام «کلام» را می‌شناخت.

۱. گر چه در آغاز تدوین قوانین ایران، مانند قانون مدنی، فقیهان تاثیرگذار بودند اما رفته رفته این جریان رو به ضعف نهاد.

۲. دامن زدن به موج‌های پوچگرایی و دهراندیشی، ابتذال خانقاهی، معنویت‌های شریعت ستیز و دم‌غنیمتی و ... از سوی کارگزاران رژیم کاملاً مشهود بوده است.

۳. به عنوان نمونه جسارت ناروایی که در زمان مشروطه و رضاخان، بر ساحت روحانیت ایران وارد آمد، سبب شد کسانی چون مرحوم خوانساری، ناامید از اصلاح حکومت، به کنج تدریس و افتاء محدود شده و هرگز به یک انقلابی تمام عیار تبدیل نشوند. این پس زمینه‌ی روحی حتی پس از تغییر رژیم، ناخودآگاه ادامه داشت.

مرحوم فلسفی اساساً با ترویج غیرعقلانی یا احیاناً خرافاتی و شبه صوفیانه‌ی مذهب سرسازش نداشت؛ به عنوان نمونه در دیدار با اساتید مرکز تخصصی مهدویت در مشهد (۱۳۸۱ش) گفت: «اما این روزها مسائل طور دیگری شده است! و حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف تقریباً باید گفت وسیله‌ای برای جمع کردن عده‌ای شده که بیاید ما می‌خواهیم شما را ببریم خدمت حضرت، یا نه این که دست جمعی برویم!»^۱

۲/۲- روحیات، خُلقیات و صفات

گونه‌ای فروتنی کمیاب و به عبارتی دیگر به حقیقت و نه به ادعا کم دیدن، شهرت‌گریزی فوق‌العاده، مردمی بودن و دوری از تبختر و ویژه‌گرایی در امور شخصی (حتی در عبادات روزانه و خرید منزل) برکناری از هرگونه خشونت و زور ورزی (در درگیری‌های حزبی - اجتماعی)، آرامش درونی همیشگی، درنگ‌های شگفت در سکوت بلند، گرایش بی‌هیاهو به کنج، شادابی چهره (حتی در کهنسالی) دغدغه‌مندی در حوزه‌ی ولایت، از مهم‌ترین شاخصه‌های خُلقی ایشان است.^۲

نکته‌ی شایان توجه در سرشت اخلاقی ایشان، دقت علمی-ایمانی پررنگ به «أصالة الصّمت» است. با استقرایی-ولو ناقص‌در برآیند فعالیت‌های علمی، اجتماعی و سیاسی در طول چند دهه در می‌یابیم که گویا اصل اولی نزد ایشان سکوت، احتیاط و ثبات بوده‌است.

آدمی به بیش از آنچه آگاهی ذهنی و یقین قلبی دارد، مکلف نیست. مومن با روشنایی خرد و ایمان راه می‌رود و جلوتر از دید، در تاریکی گام نمی‌زند.

به عنوان نمونه می‌توان به راه اندازی یک جلسه بحث رجالی از سوی علامه آقابزرگ تهرانی‌ره در نجف با پیشنهاد و وساطت مؤثر ایشان اشاره کرد. گرچه این برنامه ادامه یافت و گروه قابل توجهی از طلب بهره‌مند شدند، اما بانی درس، خود، پس از درک اینکه نیازی ضروری به این گونه بحث‌ها ندارد، بی‌هیچ گونه‌کندی، حلقه‌ی درس علامه را ترک می‌کند. «أصالة الصّمت» در اینجا از رهگذر تمتّای علم نافع (در نظر ایشان) و نه هر علمی خودنمایی می‌کند. اصل بر سکوت است مگر آنجا که به ضرورتی یا ناخودآگاه کلامی جاری شود.^۳

۲/۳- پیشینه‌ی آموزشی - پژوهشی

از آنجا که تمرکز بر تحصیل فقه - به ویژه در نجف - مانع فراگیری پیوسته علم اخلاق بود، اما باز هم با شواهدی چند می‌توان به ردیابی پرداخت. در این میان محضر درس و معاشرت ایشان با شخصیت و رهنمودهای

۱. به نقل از: فصلنامه‌ی انتظار، ش ۵، ص ۲۷ - ۳۶
۲. بیشتر این نمونه‌ها در مشاهدات نگارنده، گفته‌های فرزند، شاگردان و دوستان ایشان ریشه دارد.
۳. به نقل از حجة‌الاسلام مجتبی‌الهی

اخلاقی آیه الله العظمی خویی را باید مد نظر داشت، همو که در عین تکیه بر کرسی فقاہت، از ارتباط شاگردانه و نشست همدلانه با اصحاب عرفان، همچون آیات عظام: غروی اصفهانی، سید علی قاضی و ... چشم نمی‌پوشید. نکته‌ی مهم این است که مرحوم فلسفی از اصحاب دوره‌ی نخست مرحوم خویی در روزگار کم آوازگی و فراغت وی بوده است. شاگردان دوره‌ی نخست با دیگران تمایز بارزی دارند.^۱ تبعاً بیشتر اشتغالات و هم محفلیهای اخلاقی - عرفانی مرحوم آیه الله العظمی خویی نیز در این دوره بوده است. همچنین انس روزانه و مجتهدانه‌ی آقای فلسفی، طی ده‌ها سال با آیه و حدیث نیز خود، رویه‌ای تحقیقاتی به شمار می‌آید. ده‌ها صفحه روایت با چینی‌ی ابتکاری که ایشان در زمان دفاع مقدس درباره‌ی اخلاق مدیران برای نخست وزیر وقت نوشت، حاکی از این پژوهش‌ها می‌باشد. امید که با نشر آراسته‌ی دست نوشته‌های معتبر شاگردان از درس گفتارهای اخلاق استاد، بر روشن‌گری‌ها افزوده شود.

۳- رفتارهای اخلاقی

۳/۱- با خانواده

جلوه اخلاقی آن مرحوم در کانون خانواده این بوده است: در کارهای شخصی خود بسنده، در آمد و شد کم هزینه و بی‌آزار، بر تربیت معنوی فرزندان مهربان و حریص، در گونه‌ی زندگی بی‌تکلف و خاکی، در مدیریت منزل آرام و متین و ...

۳/۲- در کتابخانه و مدرسه

حضور نادر و اندک ایشان در مجالس سوگواری مذهبی در بیت آیه الله العظمی خویی به علت فراوانی مطالعات فقهی و کم فرصتی، نمادی بس گویا از اخلاق تحصیلی ایشان در نجف است.

در تهران نیز با اهتمام سرشار، به تدریس فقه و اخلاق مشغول بود. التزام عملی به «بی‌مطالعه سخن نراندن» در روزگار پرگویی، خصلتی نوبر و ستودنی تلقی می‌شود. به احتمال قوی، تعطیلی بحث اخلاق در تهران نیز به همین علت بوده است.^۲

پس از کوچ به مشهد به گواهی شاهدان چند ده ساله، رویه‌ی^۳ مرحوم فلسفی بر نظم سنتی آموزشی، وسواس علمی، احترام به گذشتگان، پرهیز از خود رأیی و تک گویی، اصرار بر «نمی‌دانم» گویی، گریز از افتاء، دلخوری

۱. به بخشی از این تفاوت‌ها در مقاله حجه الاسلام ربانی بیرجندی منتشرشده در یادنامه‌ی فقیه پارا، اشاره‌ای مناسب و گذرا شده است.

۲. این تعطیلی به علت عدم مطالعه‌ی روزانه بارها در درس اخلاق‌های مشهد اتفاق می‌افتاد.

۳. بر اساس گزارش شاگردان دوره‌های چندگانه‌ی ایشان، که در نشست بررسی جایگاه علمی مرحوم آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی به مناسبت هفتمین روز درگذشت ایشان از سوی مجمع فقه و مبانی اجتهاد برگزار شد.

از سکوت یا احیانا خمودگی برخی شاگردان^۱، اشتیاق به محقق پروری، تأکید بر تمحض تحصیلی و دوری از پراکنده خوانی^۲ استوار بوده است.

۳/۳ - در جامعه

اگر نخبگی به معنای فراهم سازی و عرضه‌ی بیشترین داده‌ها به توده‌ها در قبال گرفتن کمترین خدمات و هزینه از آنان باشد، آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی از نخبگان سرآمد مشهد محسوب می‌شود. در معارف انبیا، فرهیختگان و به ویژه عالمان، گرانترین مسئولیت را بر دوش داشته و اگر ارج و بقایی هم هست، از این رسالت خیزی و تکلیف پذیری ناشی می‌شود.^۳ رعایت اخلاق نخبگی، جایگاهی کم بدیل به ایشان بخشیده به گونه‌ای که - بی اغراق - پایگاه ایشان هنوز خالی است. این ماندگاری، محصول همان رنج بی‌خرجی است که سالها ایشان برای مردم، به جان می‌کشید.

«فقیه شهر» آن‌سان در متن مردم می‌زیست که تمیز او از دیگران با مشاهده رفتارهایش در کوچه و بازار، دشوار بود. نگارنده در نوجوانی و سالهای آغازین تحصیل، همواره از آسودگی آن استاد، در برخورد و گشاده رویی او در پاسخگویی و ارائه‌ی تذکرات اخلاقی بهت زده می‌شد. تکاپو در مسیر براندازی نظام طاغوتی، حضور در مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی (۱۳۵۸ شمسی) و ترغیب مردم به شرکت در انتخابات در دوره‌های آغازین مجلس، بازتاب دغدغه و احساس مسئولیت اجتماعی مرحوم فلسفی است.

آن مرحوم با مبارزه در زمان طاغوت، حمایت از نظام مقدس جمهوری اسلامی و ادامه‌ی جریان عدل‌خواهی، به خوبی نشان داد که همواره حکومتها به ارشاد فقیهان نیازمندند. فقیهان شیعی همواره برخوردار از اقبال مردمی و حمایت الهی، و مستغنی از قدرتهای مادی بوده‌اند.

اگر چه ایشان از تصرف مستقیم خود در حقوق امام(عج) ابا داشت و تنها در چند مورد خاص به اصرار، وکالت شرعی و وظایف مالی چند بازاری را پذیرفته بود؛ اما با دوری زاهدانه از دنیا، بی آنکه بر زبان آورد به ارادتمندان دنیادار خود درسها آموخت. اساساً برنامه‌ی اخلاقی دین در جامعه را بیشتر با اقدام شخصی - و نه سخن رانی - پیش می‌برد.

پایان سخن اینکه: آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی ثابت کرد که با اخلاق می‌توان سالها شهری را هدایت کرد هرچند در زمین نامت را ندانند؛ آسمان را عیاری دیگر است.

۱. ایشان بارها از وضعیت غالب تحصیلی در مشهد گله نموده و با حسرت از آن چند شاگرد کوشا در نجف یاد کرده بود.

۲. مرحوم فلسفی جز فقه و اصول، گروه نه چندان کمی از مطالعات و علوم موجود در حوزه‌ها را مصداق علم غیر نافع می‌دانست (به نقل از حجة الاسلام مجتبی الهی) و از نظر روحی و اخلاقی تمایل چندانی به آن حیطة‌ها نداشت.

۳. بنگرید به: الحیة ذیل باب «علم» و «عالم»